

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۳، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۲، صص ۸۹-۶۹

طایفه مستقل عرب کُتی بزرگ‌ترین گروه عشایری عرب کوچرو در منطقه ورامین تهران*

سید علیرضا هاشمی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۱۳

چکیده

عشایر ایران به دلایل مختلفی دارای اهمیت هستند، اول از این نظر که سهم بزرگی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و اساس معیشت آنان مبتنی بر دامداری سنتی است، دوم کوچ‌گری و جابه‌جا شدن بین آنها میان بیلاق و قشلاق که به منظور تعلیف دام در مراتع طبیعی و بهره‌جویی از تنوع آب و هوایی صورت می‌گیرد و سوم وابستگی آنها به ساختار سیاسی - اجتماعی مبتنی بر سلسله مراتب ایلی که از شاخص‌های مهم شناخت اجتماع عشایری است. پژوهش بر روی ایلات، عشایر و اقوام ایرانی آداب و رسوم، فرهنگ و ساخت اجتماعی جامعه ایلی را نمایان می‌سازد و با پرداختن به سازمان اجتماعی و شیوه اقتصادی می‌توان به برنامه‌ریزی برای یافتن راه‌کارهای اجتماعی - اقتصادی عشایر کمک کرد. در دهه‌های اخیر در نتیجه تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور، جامع عشایر تغییرات اساسی کرده است، متلاشی شدن نظام قبیلله‌ای، فراموشی سنت‌های فرهنگی، جایگزینی فرهنگ مردمان یکجانشین، تغییر در نوع معیشت و سکونت یا مهاجرت شهری، مواردی است که فرهنگ عشایر کوچرو را تحت شعاع قرار داده است. هدف این بررسی توصیف وضعیت اجتماعی - فرهنگی طایفه مستقل عرب کُتی یکی از بزرگ‌ترین طوایف عرب کوچرو در نزدیکی تهران است که به عنوان بخشی از تغییرات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به وجود آمده در آن به دلیل هم‌جواری با شهر ورامین و کلان‌شهر تهران بوده است.

کلید واژگان: استان تهران، ایلات و عشایر، طایفه مستقل، عرب کُتی، کوچ، ورامین، بیلاق و قشلاق.

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده است که در سال ۱۳۷۲ با راهنمایی محمدعلی یوسفی‌زاده و با مشاورت حشمت‌الله طیبی و احمد رنجبر انجام شده است.

400hashemi@gmail.com

** دانشجوی دکتری فلکلور در آکادمی علوم تاجیکستان

مقدمه

ایلات و عشایر، در حیات اجتماعی و فرهنگی ایران از دیرباز نقش بسیار مؤثری داشته‌اند. کوچ‌نشینان بخش مهمی از جمعیت ایران به شمار می‌روند که در اقتصاد دامی ایران، جایگاه برجسته‌ای دارند. به نسبت نقش و تاثیر کوچ‌نشینان در تاریخ و فرهنگ ایران مطالعات اندکی درباره آنها صورت گرفته است عمده نوشته‌ها در مورد شیوه زندگی سنتی آنها است؛ در صورتی که تحولات کوچ‌نشینی در دنیای امروز، بسیار بیش از آن است که بتوان از آن چشم پوشید. به تعبیر بهاروند "زندگی کوچ‌نشینی، اکنون در آستانه نابودی است" (۱۳۶۸: ۲۳۲). بنابراین از یک سو تلاش برای فهم و ثبت حیات سنتی کوچ‌نشینان لازم است؛ زیرا بخشی از میراث بشری و تاریخی جوامع انسانی هستند و از سوی دیگر بررسی وضعیت متغیر امروزی آنها نیز به همان میزان اهمیت دارد.

طایفه مستقل عرب کُتی یکی از ۱۸ گروه عشایری موجود در منطقه ورامین تهران هستند که سابقه سکونت آنها به سرزمین نجد عمان می‌رسد. افراد این طایفه عرب در دوران خلفای اموی یا عباسی به منطقه خوزستان و فارس مأمور شدند یا مهاجرت کردند و در دوره قاجار تیره‌هایی از آنان به منطقه ورامین تهران به صورت اجباری کوچ کردند و تا سال‌های اخیر در برخی از روستاهای ورامین به صورت کوچرو به کار گله‌داری مشغول بودند. این طایفه بزرگ‌ترین طایفه عشایری عرب هستند که در منطقه‌ای نزدیک به کلان‌شهر تهران زندگی می‌کنند و از بعد فرهنگی زبان عربی خود را همچنان تکلم و فرهنگ عشایری خود را کمابیش حفظ کرده‌اند.

عشایر از دیدگاه‌های مختلفی همچون دارا بودن سهمی از جمعیت کشور، معیشت مبتنی بر دامداری، کوچ‌گری و جابه‌جا شدن بین بیلاق و قشلاق و ساختار سیاسی - اجتماعی مبتنی بر سلسله مراتب ایلی دارای اهمیت شمرده شده‌اند (یوسفی‌زاده، ۱۳۶۴). بنابر تعریف افشار نادری برای اینکه یک جامعه را جامعه ایلی بنامیم ملاک‌های سه‌گانه‌ای چون: وجود ساختمان ایلی که دارای تقسیمات است؛ سرزمین مشترک که حدود آن کاملاً معین است و آگاهی افراد به عضویت در ایل خود لازم است (۱۳۴۷: ۱۲). از این منظر با توجه به موقعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کلان‌شهر تهران به عنوان پایتخت و نزدیکی منطقه ورامین به آن و با توجه به سیاست‌های گذشته در زمینه اسکان یا انتقال گروه‌های عشایری در مناطق مختلف از جمله مناطق اطراف تهران، پژوهش‌های انسان‌شناختی درباره این عشایر و بررسی وضعیت اجتماعی - فرهنگی و زیست‌بوم آنها نکات قابل توجهی را آشکار می‌سازد. مقاله حاضر با نگاهی ژرف‌انگر و استفاده از روش‌های تحقیق انسان‌شناختی (مشاهده مشارکتی) بر روی یکی از این گروه‌ها، به نام طایفه مستقل عرب کُتی متمرکز شده است.

چارچوب نظری

این مقاله برای شناخت طایفه عرب کُتی صورت گرفته است که در مجاورت با شهر ورامین و کلان‌شهر تهران استقرار دارند و به مرور از شکل زندگی عشایری خارج و به زندگی یکجانشینی و شهری متمایل شده‌اند. علاوه بر بررسی ساختار فرهنگی این طایفه عشایری باید نوع تغییر و دگرگونی‌هایی بررسی شود که در اثر پدیده مجاورت فرهنگی پدید آمده است؛ چرا که "مطالعه تغییرات فرهنگی و دگرگونی عناصر فرهنگی موجب می‌شود تا شیوه‌های نفوذ و اشاعه فرهنگ و فرهنگ‌پذیری بررسی و تنوعات فرهنگی شناخته شود" (رفیع‌فر و قربانی‌ریگ، ۱۳۸۵: ۵۹). در این نوشتار از دیدگاه عمومی انسان‌شناسی فرهنگی در مورد تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی عشایر استفاده شده است.

"انسان‌شناسی فرهنگی پاسخ به مجموعه کنجاوی‌های بی‌پایان در مورد انسان است. انسان‌شناسی فرهنگی به این امر علاقه‌مند است که فرهنگ‌ها چه وقت و کجا و چرا به روی زمین ظاهر شدند و چگونه دچار تغییر و تحول می‌شوند. این رشته هر پدیده‌ای را در قالب فرهنگ بررسی می‌کند. فرهنگ از نظر انسان‌شناسی مجموعه‌ای از رفتارها، باورها، ارزش‌ها و ایده‌های آموخته‌شده تعریف می‌شود که ویژگی یک جامعه یا یک جمعیت خاص است. از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی، تغییرات اجتماعی و فرهنگی هم نتیجه عوامل درونی و هم عوامل بیرونی هستند" (ایمان و محمدی‌پور، ۱۵: ۱۳۸۳).

تغییرات تدریجی فرهنگ یکی از مفاهیم انسان‌شناسی فرهنگی است. بر حسب الگوی پیشنهادی انسان‌شناسان، فرهنگ‌ها همواره در حال تحول تدریجی و مرحله به مرحله هستند. با پذیرفتن این الگو، می‌توان مراحل مختلف تغییر فرهنگ را شناسایی کرد. برجسته‌ترین نظریه‌پرداز این الگو لویس هنری مورگان^۱ (۱۸۸۱-۱۸۱۸) برای تکامل انسان سه مرحله وحشی‌گری، بربریت و تمدن را در نظر گرفته است. ولف تکامل تدریجی را به صورت یک پیشرفت، از نظر کمی به معنی ویژگی‌های جمعیتی و کیفی به معنای پدید آمدن اجزای جدید فرهنگی توضیح می‌دهد؛ به نحوی که اجزای قدیم فرهنگ را در خود ادغام کند. در واقع دگرگونی فرهنگ‌ها نتیجه ضرورت سازگاری با محیط است. فرایند انطباقی مشابه در محیط‌های یکسان منجر به تشابهاتی در فرهنگ‌های مختلف می‌شود (رفیع‌فر و قربانی‌ریگ، ۱۳۸۵: ۶۰). بخش عمده‌ای از فرهنگ در ارتباط با محیط طبیعی و نحوه بهره‌وری از آن تحت عنوان بوم‌شناسی فرهنگی شکل می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۸۲: ۱۲۱). دوره نیز هویت فرهنگی را

^۱ Lewis Henry Morgan

بنیادگذاری شده بر روی فرهنگ می‌داند که ثابت و پایدار است. وی معتقد است هویت فرهنگی، خود را از طریق زبان، شیوه معیشت، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی نشان می‌دهد و با تغییر هریک از این عوامل، دچار دگرگونی می‌شود (محب‌حسینی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

نظریه فرهنگ‌پذیری^۱ در مورد عشایر به دلیل آمادگی برای ادغام در جامعه شهری (ورامین و کلان‌شهر تهران) قابل انطباق است؛ زیرا تحولات شیوه زیست، فاصله نسلی، سازگاری با محیط ثابت به جای محیط‌های گوناگون، هم‌جواری با گروه‌های مسکون و ارتباطات گسترده، تحولات فرهنگی را موجب شده است.

”فرهنگ‌پذیری معمولاً زمانی پیش می‌آید که گروه‌های مختلف فرهنگی در تماس نزدیک با یکدیگر باشند. بنابر این در فرهنگ‌پذیری هم مانند اشاعه فرهنگی، منشاء جلوه‌های جدید جامعه دیگر است. ولی اغلب انسان‌شناسان، فرهنگ‌پذیری را برای شرح حالتی به کار می‌برند که در آن یکی از جوامع در تماس با دیگران، فرهنگ بسیار قدرتمندی داشته باشد“ (رفیع‌فر و قربانی‌ریگ، ۱۳۸۳: ۶۰؛ بنگرید به دیگار، ۱۳۶۷).

روش پژوهش

این مقاله گزارشی از یک پژوهش میدانی در منطقه ورامین تهران است که مطابق دانش انسان‌شناسی، با به کار بردن روش ویژه این رشته از شیوه مرسوم در تاریخ‌نویسی یعنی مطالعه سندی و تاریخ‌نگاری شفاهی نیز استفاده شده است. انسان‌شناس در مطالعه اسنادی، کلیه مدارک مکتوب بازمانده از قوم یا ایل را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند. در تاریخ‌نگاری شفاهی با بزرگان و رهبران و افراد ریش‌سفید و آگاه جامعه گفت‌وگو و مصاحبه می‌کند و همه خاطرات و اطلاعات انتقال‌یافته از نسلی به نسل دیگر را جمع‌آوری می‌کند. پژوهشگر از روش‌های توصیفی و مشاهده مشارکتی از طریق همراهی با آنان در کوچ بهره‌جسته است تا ساختارهای اجتماعی و فرهنگی و نظام روابط سنتی رایج در جامعه ایلی کُنی همانند زندگی روزمره ثبت گردد.

عشایر ورامین

منطقه ورامین از جمله مناطقی است که طوایفی از بیشتر عشایر ایران در آن زندگی می‌کنند. اکثر آنها در طول چهار قرن اخیر یعنی از زمان حکومت صفوی به منطقه ورامین کوچ کرده‌اند و این ناحیه از نظر برخورد فرهنگ عشایری در کشور موقعیت خاصی دارد. کوچ عشایر که بیشتر علت سیاسی داشت به این قصد انجام می‌گرفت که عشایر از موطن اصلی خود دور شوند و در

^۱ acculturation

منطقه مرکزی ایران تحت نظر باشند. در دوره قاجاریه با پایتخت شدن تهران گروهی از عشایر موافق و مخالف حکومت به مناطق اطراف تهران و از جمله ورامین کوچ داده شدند. حکومت سعی داشت با اسکان دادن، عشایر سرکش و مخالف را به افرادی کشاورز و زراعت‌پیشه تبدیل کند تا خطر عصیان آنها کمتر شود. حکومت گروه‌هایی از عشایر پشتیبان خود را به منظور داشتن پشتوانه در مقابله با عشایر مخالف به نزدیک پایتخت انتقال داد؛ اما به علت موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه در نزدیکی به دامنه‌های جنوبی البرز (محل ییلاق) و سیاه کوه، مسیله و قرق سیف (محل قشلاق) عشایر کم و بیش بافت زندگی عشایر خود را حفظ کردند.

کوچ عشایر به منطقه ورامین از زمان صفویه آغاز شد و در زمان افشاریه و زندیه ادامه یافت و با روی کار آمدن قاجارها و پایتخت شدن تهران، شدت گرفت. بیشتر طایفه‌های عشایری این منطقه در زمان قاجاریه به ورامین کوچ کرده‌اند. بعضی از گروه‌های عشایری بعد از انتقال به به علت کمی تعداد به نحوی در فرهنگ گروه‌های دیگر حل شدند و هویت خود را از دست دادند. با استناد به اسناد مکتوب، گروه‌ها و طوایف و عشایری ورامین شامل: عشایر کرد چون پازوکی‌ها، سیاه منصوری‌ها، قراچولوها، سیر سپورها (سیر سپور)، کردبچه‌ها، لرنی‌ها و بوربورها (توحیدی، ۱۳۵۹: ۱۴۳)؛ عشایر هداوند شامل سه طایفه سیری، خانی و میرزایی (لمبتون، ۱۳۳۵: ۲۷۱)؛ عشایر بختیاری از هر دو طایفه بزرگ هفت لنگ و چهار لنگ (نویی، ۱۳۴۴: ۹۷؛ لمبتون، ۱۳۳۵: ۲۶۹)؛ و ناظم‌الاسلام کرمانی، (۱۳۶۲: ۲۱۸)؛ قاجارها (نفیسی، ۱۳۴۵: ۱۳۴۵: ۲۵۳۵: ۱۸۳؛ اوین، ۱۳۴۷: ۲۶۶)؛ طایفه اصائلو (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۷۳)؛ طایفه کنگرلو (شمیم، ۱۳۴۲: ۶۱)؛ طایفه کارخانه یوسفی (میرزا آغاسی: نسخه خطی؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۵۴: ۲۲۳)؛ عشایر شاهسون (ترکمان، ۱۳۴۱ ق؛ شاهسون بغدادی، ۱۳۷۰)؛ قشقای‌ها (بنگرید به صورت املاک خالصه تهران، نسخه خطی)؛ عشایر نفر (هدایت، ۲۵۳۵: ۲۰۴)؛ طایفه خلیج؛ طایفه لشنی؛ الکایی، الیکایی یا علیکایی (بنگرید به ایلات و عشایر، ۱۳۶۸: ۱۳۱) و عشایر عرب هستند. در دایره‌المعارف ایرانیکا آمده است: "قبایل عرب به صورت نیمه عشایری در قسمت‌های جنوب ورامین و بخشی نیز در دهستان جلیل‌آباد زندگی می‌کنند. این قبایل به صورت مجموعه‌ای ناهمگن از قبایل عرب باقری ایل خمسه، عرب میش‌مست از خوزستان و کُتی‌ها از شیراز هستند که در منطقه ورامین پراکنده‌اند". عشایر عرب در این منطقه به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱) عرب‌هایی که امروزه به فارسی تکلم می‌کنند و جمعیت آنها از طوایف دیگر عرب بیشتر است و به نام‌های عرب سلمانی، عرب سرهنگی، عرب سالاری، عرب خواری، عرب علیدایی و عرب علیدوستی خوانده می‌شوند (امینی، ۱۳۶۸: ۱۲۴).

۲) عشایر عرب میش‌مست که از اعرابی هستند که در قرون اول هجری به خراسان رفتند و در مناطق سرخس، ابیورد و قاینات ساکن شدند (توحیدی، ۱۳۵۹: ۳۲۹) و اسکان آنها در اطراف تهران و ورامین در زمان قاجار انجام گرفت (لمبتون، ۱۳۳۵: ۲۷۱).

۳) کلکوها و صحنانیان از اعراب دیگر این منطقه هستند. طایفه کلکو در گذشته بیشتر در اطراف مسیله زندگی می‌کرد و شغل آنها گله‌داری بود. گوسفندهای آنها در منطقه به نام خودشان و دارای معروفیت از نظر مرغوبیت پشم و رنگ سفید آن بود (کیهان، ۱۳۱۰). این طایفه امروزه به صورت پراکنده در برخی نقاط ورامین دیده می‌شوند.

۴) کُتی‌ها یا کوتی‌ها برخلاف طوایف دیگر عرب بافت زندگی عشایری را کم و بیش حفظ کرده‌اند و تا سال‌های اخیر اکثریت قریب به اتفاق آنها به دامداری و زندگی کوچ‌روی اشتغال داشته‌اند. کُتی‌ها با نام طایفه مستقل کُتی یکی از بزرگ‌ترین گروه‌های عشایری با قدمت طولانی هستند.

پیشینه تاریخی

قدیمی‌ترین نوشته در مورد تاریخچه طایفه عرب کُتی^۱ مربوط به جد بزرگ آنان مصیقله ابن هیره شیبانی است که خلیفه سوم در سال ۳۱ هجری ایالت مملکت فارس را به او واگذار کرد و در سال ۳۷ هجری از این سمت برداشته شد. عرب‌های کُتی از اعراب نجد عمان بودند (فسایی، ۱۳۶۷:۳۱۱؛ بهمن بیگی، ۱۳۴۴: ۲) و در زمان خلافت خلفای اموی یا عباسی به دیار فارس و خوزستان مأمور شده بوند (خورموجی، ۱۲۷۶:۹۲).

”در سال ۳۱ هجری خلیفه سوم عثمان ابن عفان ایالت مملکت فارس را به (مصیقله ابن هیره شیبانی) عنایت فرمود. در سال ۳۵ هجری جماعتی از اعیان مسلمان از سوء سلوک کارگزاران خلیفه سوم شکایت به آستانه خلافت بردند و باعث را مروان - ابن حکم پسر عموی خلیفه سوم شمردند و از جانب خلافت اعتنایی به سخن دادخواهان نشد بلکه مروان از جانب عثمان تهدید به قتل شد و این فتنه روزبه‌روز بالا گرفت تا در ماه ذیحجه همان سال خلیفه سوم را در مدینه طیبه و در سن ۸۲ سالگی بکشند. خلافت به مولای متقیان علی ابن ابی‌طالب هاشمی قریشی قرار گرفت و آن جناب ایالت بصره و اهواز و فارس را به عبدالله ابن عباس پسرعم خود عنایت فرمود و در سال ۳۷ هجری عبدالله ابن عباس مصیقله ابن هیره شیبانی را از فارس برداشت و سهل ابن حفیف را والی و امیر آن خطه نمود“ (فسایی، ۱۳۶۷:۶).

امروزه اعراب کُتی مقیم حوزه فارس از اجداد خود نقل می‌کنند که جد اعلای طایفه کُتی (مصیقله ابن هیره شیبانی) از بزرگان طایفه شیبانی فارس و جزء تیره‌های عبدالیوسفی و ولیشاهی بود. طایفه کُتی مقیم ورامین تهران از همین طایفه هستند که در زمان آل مظفر در کرمان مورد قتل و غارت قرار گرفتند و پس از فرار و تبعید به ورامین آمدند. این موضوع توسط

^۱ koti

عده‌ای از معمرین طایفه کُتی نقل شده است. شرح این حمله نیز نگاشته شده است (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۳۲). در زمان حکمرانی شعاع‌السلطنه در عهد ناصرالدین شاه در پی واقعه‌ای و از پس حمله به مردان طایفه عبدالیوسفی کُتی که موجب کشته شدن رضاخان از طایفه کُتی می‌گردد، یک عده از افراد این طایفه در این تاریخ فارس را به قصد ورامین ترک کردند و به اقوام خود در ورامین ملحق شدند. این واقعه با نقل دیگری در کتاب آثارالعجم نیز آورده شده است (فرصت‌الدوله، ۱۳۶۲: ۲۱۸).. بنا به گفته ریش‌سفیدان طایفه کُتی، آنها پس از مهاجرت به ورامین در منطقه سیاه کوه مأوا گزیدند و چادر سیاه‌های خود را در این منطقه نزدیک قصر عین‌الرشید فعلی نصب کردند. سیاه کوه محل قشلاق و کوه‌های البرز (لار) محل ییلاق (تابستان چر) آنها بوده است.

وجه تسمیه

معانی متفاوتی در مورد نام کُتی در برخی کتاب‌ها و فرهنگ‌ها دیده می‌شود. در برخی کتب قدیمی کوتی دیده می‌شود و از آنجا که کوت شهری در عراق عرب بوده است این احتمال را می‌توان داد که این طایفه از آنجا برخاسته باشد؛ در *اعلام‌المنجد* آمده است: ”الکوت: بلده فی العراق علی نهر دجله قاعده محافظه واسط و مرکز قضاء الکوت“ (سیاح، ۱۳۷۸: ۱۵). در فرهنگ‌های لغت قدیمی کوت به اشکال مختلف معنی شده است؛ به طوری که در برهان قاطع آمده است: ”بر وزن حوت به زبان هندی قلعه را می‌گویند“ (برهان، ۱۳۴۲: ۳/۱۷۲۰). در حاشیه کتاب *آثارالعجم* نیز آمده است: ”کُتی بضم کاف عربی و کسر تاء قرشت به یاء حطی‌زده نام قبیله‌ای از اعراب فارس است که سرحد و گرمسیر را ملازم‌اند“ (حسینی، ۱۳۶۲: ۱۲۶). افراد طایفه کُتی از معنی آن اطلاع چندانی ندارند، یکی از آنها کُتی را کُت به دست معنی می‌کند و می‌گوید که چون در سیاه‌کوه پدربزرگ‌های آنها یاغی‌گری می‌کردند و به اصطلاح دعوایی بودند و کُت خود را روی دست می‌انداختند به این نام مشهور شدند (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۳۸).

پراکندگی و کوچ

کوچ عرب‌های کُتی به منطقه ورامین به مرور و از دوران نادرشاه افشار تا زمان ناصرالدین‌شاه قاجار ادامه داشته است (وزیری، ۱۳۵۸: ۵۱؛ مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰۷). معمرین عشایر کُتی اظهار می‌کنند که آنها در دو مرحله به منطقه کوچ کرده‌اند، در مرحله اول به صورت اجباری و به دلیل سیاسی به منطقه کوچ داده شده‌اند. گروه نخست بعد از ورود و زندگی چند ساله در منطقه ورامین، چون شرایط زیست را بهتر از فارس می‌یابند به اقوام خود در فارس اطلاع می‌دهند و آنها را به کوچ تشویق می‌کنند، در این مرحله تعدادی از افراد این طایفه داوطلبانه به منطقه کوچ می‌کنند (امینی، ۱۳۶۸: ۴۴). عرب‌های کُتی پس از مهاجرت، در منطقه سیاه‌کوه ورامین استقرار

یافتند. سون همدین که در دوره قاجار از ایران دیدن کرده بود، مشاهدات خود را از منطقه سیاه کوه و تعدادی از چادرهای عشایر عرب را دیده و وضعیت آنها را توصیف کرده است (۱۸۳:۲۵۳۵). در سفرنامه سیرپرسی سایکس هم از ایل کوتی (کُتی) و سپس از اسامی اعراب فارس طبق صورتی که مستر بلکمن در هزار و نهصد میلادی تهیه کرده بود، نام برده شده است. این مأمور انگلیسی نام طایفه کُتی فارسی و عبدالیوسفی را ذکر و به طایفه ولی‌شاهی و درازی نیز اشاره کرده است (سایکس، ۱۳۶۳:۳۴۵).

عشایر این منطقه به مرور زمان به علت همبستگی شدید قومی و مقتضیات زندگی کوچ‌نشینی و بعضاً حمایت حکومت، دارای قدرت قابل‌توجهی می‌شوند، به طوری که در اسناد دوره قاجار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۴: ۳۳۹) از پنج طایفه معروف و قدیمی نام برده شده است که از زمان صفویه به بعد به ورامین انتقال داده شدند از جمله بهنام عرب که محدوده عشایر عرب بوده است (امینی، ۱۳۶۸: ۵۳). حکومت برای اداره عشایر و جمع‌آوری مالیات یک ایلیخان و یک ایل بیگ برای امنیت می‌گماشت (لمبتون، ۱۳۳۵: ۲۹۸)، ریاست ایلات عرب ورامین و برخی ایلات دیگر بر عهده علی‌اصغر صاحب‌جمع، پسر امین السلطان بود (هاشمی، ۱۳۷۲: ۷۵).

اکثر کُتی‌ها تاریخ مهاجرتشان به ورامین را در زمان ناصرالدین‌شاه می‌دانند و مدعی هستند که علف‌زار سیاه‌کوه برای چرای دام‌ها از طرف ناصرالدین‌شاه به آنها بخشیده شده است و سند آن که بر روی پوست آهو و به خط صدراعظم ناصرالدین‌شاه نوشته شده است، در دست آنها است (همان: ۱۰۱-۱۰۰)، طبق این سند چون اعراب بادیه‌نشین طایفه کُتی طوق بندگی به گردن و حلقه غلامی به گوش کرده‌اند، شامل عنایت شاهانه شده‌اند. همچنین از مشروح فرمان چنین برمی‌آید که آنان متمرّد به امر دولت بودند و چون سر تسلیم فرود می‌آوردند و تأمین حاصل می‌نمایند به عنایت شاهانه مفتخر می‌شوند و به فرمان ملوکانه ناصرالدین‌شاه دو حلقه چشمه آب و اراضی مربوط در حوزه ورامین، به نام‌های عین‌الرشید و شاهین به حاجی میرزا، ولد مرحوم حاجی عبدالله عرب کُتی بادیه‌نشین مرحمت می‌گردد.

اولین روستاهای محل سکنی افراد طایفه کُتی، طبق گفته بزرگان این طایفه قلعه غیاث‌آباد در ابتدای روستای جلیل‌آباد و روستای شوران (اهیه) بوده است. قلعه غیاث‌آباد هم اکنون نیز به شکل سنتی با خانه‌هایی خشتی و طاق‌هایی گنبدی و برج و باروی خراب وجود دارد. شجره‌های تهیه‌شده از تیره‌های مختلف طایفه کُتی نشان می‌دهد که محل تولد دو نسل قبل پیرمردان فعلی، در منطقه سیاه‌کوه ورامین و زادگاه اجداد آنها قبل از این دو نسل، منطقه فارس بوده است (همان).

بهارچر (فروردین و اردیبهشت) و پاییزچر (آذر و دی) عشایر کُتی، منطقه تل‌سرخ زیر ارتفاعات سیاه‌کوه در جنوب ورامین است، با توجه درجه سه بودن نوع مرتع، دامداران کُتی مازاد علوفه مورد نیاز خود را از طریق پس‌چر مزارع تأمین می‌کنند (همان: ۱۰۴). این دامداران قبل از

ممنوعیت چرا در پارک ملی کویر، گله‌های خود را در هموار سینه شکرآب و هموار نثار سیاه‌کوه چرا می‌دادند؛ اما امروزه دام‌های آنها تا منطقه دوازده امام، نره‌خر کوه، پره زرد، غدیر اسب، تل سرخ و مکرش^۱ مشغول چرا هستند (همان: ۲۸). برای رسیدن به منطقه لار دامداران طایفه عرب کُتی چهار ایل راه دارند که به صورت کوچرو به آنجا می‌روند.

این مناطق از مبداء روستاهای این طایفه در ورامین عبارت‌اند از:

(۱) ورامین، سرخه حصار، شورا، تماشا، شوینک^۲، مراد تپه، واسه جون، ایرا^۳، قوش‌خونه، گذردره و آرو^۴.

(۲) ورامین، کوه‌های قره‌قاچ، کوه‌های اطراف دماوند، مشاء^۵، رودهن، بومهن، تَجَرَک^۶، وَسان^۷، پَهَنک^۸، سیاه پلاس، قوشخانه^۹، قرقره سنگ، چهل بَرّه و میان رود.

(۳) ورامین، کوه‌های قره‌قاچ^{۱۰}، مشاء، گردنه امامزاده هاشم، پلور، گردنه سیدک، چَپَک سنگسری، گردنه امام پهنک ارتش، رودخانه لال آب، شیخ امیر، آرو، یورد حاج خانم، تُرشکچال و وَرآرو علیدایی.

(۴) ورامین، کوه‌های قره قاچ، گردنه امامزاده هاشم، پلور، چال چال، وَزان^{۱۱}، بند خاکی، چهل دره، وَرآرو^{۱۲} و اسکندر بیک (همو، ۱۳۷۲: ۱۰۷، ۱۰۶).

افراد طایفه عرب کُتی سال‌های متممادی از این ایل راه‌ها استفاده کرده‌اند. در برخی کتب تاریخی دوره قاجاریه از لار به عنوان بیلاق ایل عرب یاد شده است (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۲۵۵).

شیوه کوچ عشایر ورامین امروزه به واسطه نزدیکی به تهران، ادغام در جامعه شهری و تاثیر فناوری تغییر کرده است. عشایر طایفه کُتی از وسایل نقلیه سنگین برای رفتن به منطقه بیلاق (لار) استفاده می‌کنند؛ یعنی گوسفندان خود را با کامیون از ورامین به نزدیکی منطقه دماوند می‌برند و پس از پیاده کردن احشام، حرکت رمه‌ها به طرف مراتع آغاز می‌شود. در شهر دماوند خودروهای سواری دربست برای رفتن به مراتعی از جمله آرو، وَرآرو، اسکندر بیک و سیاه پلاس وجود دارد که معمولاً خانواده‌های کُتی با استفاده از آنها به محل بیلاق خود می‌روند. حرکت و کوچ این طایفه به طرف منطقه لار دماوند از شکل سنتی کوچ خارج شده است. مردان خانواده به همراه دام‌ها بخشی از مسیر کوچ را با کامیون طی می‌کنند و اعضای خانواده نیز از طریق

¹ makreš

² šoinak

³ ira

⁴ aro

⁵ maša'

⁶ tajarak

⁷ vasan

⁸ pahanak

⁹ qošxane

¹⁰ qaraqāč

¹¹ vazān

¹² varāro

اتومبیل از ورامین به دماوند می‌روند و خود را از طریق سواری‌های دربست و وانت‌بارها به نزدیک‌ترین مراعات می‌رسانند.

حرکت کوچ طایفه عرب کُتی عمودی است و دامداران از دشت به ارتفاعات حرکت می‌کنند؛ مسیر کوچ نیز کوتاه (زیر ۱۵۰ کیلومتر) است و دامداران به فاصله یک ماه در بیلاق مستقر می‌شوند و به مدت ۴ تا ۶ ماه در بیلاق اقامت می‌کنند.

هر کدام از تقسیمات اجتماعی مانند تیره و طایفه در بیلاق مکان مشخصی دارند که تقریباً مقرر دایمی آنها است، دام آنها در مرتع می‌چرد و مکان‌های معینی نیز برای برپایی اردوگاه یا یورد^۱ دارند که طبق قوانین و سنن متعلق به خود آنها است و گروه دیگری نمی‌تواند از آنها استفاده کنند. مثلاً یورد حاج ذبیح‌الله از تیره شریفی در منطقه آرو بر پا می‌شود و مرتع سیاه‌پلاس محل استقرار اردوگاه تعدادی از خانوارهای تیره جعفری کُتی است (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۱۰-۱۰۹). در محل اردو رئیس که سرباج نامیده می‌شود حدود ۷ تا ۲۰ چادر را زیر اقتدار خود دارد و زندگی در اردو و کوچ را سامان می‌دهد. در سراسر لارات شیرواره وهره^۲ و عرف مربوط به آن بین خانواده‌های دامداران کُتی در فصل شیردهی اجرا می‌شود و با تولید لبنیات مایحتاج مورد نیاز زمستان را فراهم می‌کنند. در مراعات لار خانواده‌ها در سیاه چادرهایی زندگی می‌کنند که هنوز از موی بز بافته می‌شود و در کنار آن امور عشایری جهاد سازندگی چادرهایی از برزنت در اختیار آنان می‌گذارد (همان: ۲۶۹-۲۶۸).

زنان در بیلاق نقش اساسی در تولید اقتصادی خانواده دارند. در زندگی عشایری حضور زنان و فعالیت‌های آنها در تولید فرآورده‌های دامی، صنایع دستی و اداره امور خانه در سیاه‌چادر از گذشته‌های دور رواج داشته است و زن به عنوان یکی از ارکان اصلی خانوار نقش و اهمیت ویژه‌ای در این جامعه ایفا می‌کند. با ایجاد تحولات سریع در زندگی اجتماعی امروزی، این دگرگونی‌ها بر جامعه عشایری تأثیرات عمیق و گسترده‌ای گذاشته است (احسانی و نصیری، ۱۳۹۰: ۹).

جمعیت

عشایر منطقه ورامین ۴۱۸ خانوار جمعیت دارند که طایفه مستقل عرب کُتی با ۱۳۰ خانوار دومین گروه جامعه عشایری عرب در سطح استان تهران محسوب می‌شود. این جمعیت متشکل از ۵۷۶ مرد و ۵۸۳ زن و در مجموع ۱۰۵۹ نفر است (سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۶۶). آخرین سرشماری مرکز آمار ایران مربوط به سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور در سال ۱۳۸۷، طایفه مستقل عرب کُتی را متشکل از ۱۳۶ خانوار و تعداد ۶۷۳ زن و مرد (۳۶۹ مرد و

^۱ yurd

^۲ vahre

۳۰۴ زن) برآورد کرده است که در شهر ورامین و بخش پیشوا و در دهستان‌های بهنام سوخته جنوبی، قشلاق جیتو و ولی‌آباد سکونت دارند (سرشماری عشایر کوچنده، ۱۳۸۷: ۵۱).
دین عشایر کُتی اسلام و مذهب آنها شیعه اثنی‌عشری است (هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۰۳).

ساختار سیاسی و تقسیم‌بندی طایفه‌ای

ایل عرب ایران وابسته به اتحادیه خمسه فارس است و به دو بخش عرب شیبانی و عرب جباره و تیره‌های متعددی تقسیم می‌شود که همه ساله از لارستان در جنوب فارس تا اقلید در شمال آن، کوچ می‌کنند (ایلات و عشایر، ۱۳۶۸: ۲۹). در فارسنامه ناصری نیز ایلات عرب فارس توصیف شده‌اند و اسامی تیره‌های مختلف عرب به تفکیک کتابت و از سه تیره عرب‌های کُتی شیبانی به نام‌های فارسی، عبدالیوسفی و ولی‌شاهی نام برده شده است (فسایی، ۱۳۶۷: ۳۱۲-۳۱۱). این گروه تنها عشایر عرب هستند که جزء خمسه بوده‌اند و تا کنون عمدتاً کوچرو باقی مانده‌اند (ایوانوف، ۱۳۴۳: ۹۸). باید اشاره کرد که "ایلات خمسه از ترکیب طوایف ترک، بهارلو، اینانلو، نفر، باصری و اعراب شیبانی و جباره که از بازماندگان هجوم اولیه اعراب به ایران بود، تشکیل شده است" (بیات، ۱۳۶۵: ۱۶). برخی از سفرنامه‌نویسان در خصوص ایل عرب نوشته‌اند: "عده ایشان از تیره‌های ترک محدودتر است و گفته‌اند که از سه هزار چادر بیشتر نیستند و در همین منطقه نیز زندگی می‌کنند و تبار خود را به طایفه بنی‌شیبان عرب منسوب می‌دارند" (کرزن، ۱۳۶۷: ۱۳۹-۱۳۸).

ساخت سنتی طایفه کُتی از هشت تیره به نام‌های جعفری، مجیدی، آقاحسینی، قنبری، صادقی، مؤمنی، بقرایبی و شریفی تشکیل شده است (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۳۹). در برخی کتب این تقسیم‌بندی به نه طایفه صورت گرفته است که صادقی، مؤمنی، شریفی، چارراهی، بقرایبی (ساکن در حصاربالا)، آقاحسینی (ساکن در شعیب‌آباد)، جعفری، قنبری (بیشتر ساکن در خیرآباد)، لومهدی (لومحمدی) و مزیدی (مجیدی) از آن جمله هستند (امینی، ۱۳۸۴: ۴۵).
افراد طایفه کُتی خود را از طایفه ولی‌شاهی فارس می‌دانند (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۴۱-۱۳۹). کُتی‌های باقرآباد شهرری بیشتر بقرایبی هستند و محله‌ای در آنجا به محله عرب‌ها معروف است (همان: ۸۵)، کُتی‌هایی مستقر در گرمسار خود را از طایفه صادقی می‌دانند (همان؛ شاه‌حسینی و رنجبر، ۱۳۷۸: ۴۵).

طایفه کُتی یک واحد همبسته مرکب از هشت تیره است. هر تیره به ابتدا به نتاج و سپس خانواده تقسیم می‌شود. نتاج به عنوان یک واحد خویشاوندی، مجموعه خانواده‌هایی است که سلسله تبارشان به یک نیای مشترک می‌رسد و این نیا، برادر نیاکان نتاج‌های دیگر همان تیره است. واحد پایه در طایفه کُتی خانواده است که هر خانوار مرکب از رئیس خانوار (پدر)، همسر و فرزندان مجرد و گاه پدربزرگ و مادربزرگ هستند.

از نظر سیاسی در حال حاضر هیچ‌کدام از عناوین خان، کلانتر، رئیس، ریش‌سفید یا شیخ در مورد افراد تیره‌ها و طایفه‌های کُتی مشاهده نمی‌شود و افراد در هیچ کدام سلسله مراتب سیاسی قرار ندارند که در سایر عشایر به خصوص در جنوب و غرب کشور دیده می‌شود. گاه اصطلاح ریش‌سفید و بزرگ مترادف هم به کار می‌رود که مراد فرد مسن، مجرب و دنیادیده است که از تاریخ طایفه اطلاع دارد و قادر به انتقال تجارب گذشتگان به نسل جوان است (همان: ۲۶۹-۱۴۲).

مذهب و معیشت

معیشت اکثر افراد طایفه کُتی دامداری و کشاورزی است. شیوه دامداری آنها هنوز یک فعالیت اقتصادی سنتی است. تابستان‌های گرم و خشک این منطقه و وجود روستاهای مجاور دشت و کویر، سبب کوچ موقت بین این مناطق و دشت‌های لار و سد لتیان می‌شود. باید تأکید کرد بز، گوسفند و گاو در روستاهایی که امکان ذخیره علوفه زمستانی را دارند از مهم‌ترین دام‌های به شمار می‌روند. بررسی وضعیت اقتصادی و معیشتی افراد این طایفه در روستای شوران^۱ در بخش مرکزی شهرستان ورامین و یکی از روستاهای بهنام سوخته نشان می‌دهد که شغل اهالی روستا کشاورزی و دامداری است و بر اساس اطلاعات کسب‌شده از دهمداری اهالی روستا دارای حدود ۵۰۰ رأس گوسفند پرواربندی، ۵۰ رأس گاو و گوساله، ۲۰ رأس گاومیش، ۵۰۰ رأس بز و بزغاله و ۵۰۰ رأس گوسفند و بره هستند.

محصولات کشاورزی روستا شامل صیفی‌جات، گندم و جو است. آب کشاورزی روستا از طریق دو حلقه چاه عمیق که ۱۶ سنگ آب می‌دهند و آب نهر (رودخانه) تأمین می‌شود. علاوه بر کشاورزی و دامداری که شغل مردان روستا است در تعدادی از خانواده‌ها زنان به کار قالی‌بافی در کنار کار منزل می‌پردازند (همان: ۱۸۹). بررسی‌ها نشان می‌دهد که جوانان کمتر مشاغل پدران خود را ادامه می‌دهند و به دلیل مشکلات رمه‌گردانی، مسایل موجود در طول زندگی چهار ماهه بیلاق در منطقه لار و مهم‌تر از آن ادغام شدن در جامعه شهری به مشاغل دیگری از جمله کار در کارخانه‌های مهمات‌سازی پارچین، روی آورده‌اند (همان: ۲۷۲). مشکلات کار کشاورزی و دامداری در کنار هم‌جواری با شهر ورامین و مشاغل خدماتی با سودآوری بیشتر سبب شده است تا جوانان عشایر کُتی از کار پدران خود رویگردان باشند و مشاغل جدیدی را برای کسب درآمد انتخاب کنند.

ورود افراد به خصوص جوانان به حوزه مشاغل صنعتی و شهری بر روی گرایش آنها به زندگی خانواده هسته‌ای و فردگرایی در عرصه اجتماع و فرهنگ تاثیر گذاشته است. در نظام اقتصادی جدید، برخلاف نظام اقتصادی و معیشتی سنتی که در آن دام، مرتع و کشاورزی ارزش

^۱ šuran

داشت، عواملی چون تخصص‌های فنی یا اداری، ماشین و ابزارآلات صنعتی ارزشمند است. جوانان کُتی نمی‌خواهند اسیر دام و دامداری باشند در نتیجه با جستجو برای یک شغل صنعتی یا دولتی خواهان زندگی آرام و بی‌دغدغه‌ای هستند.

مسکن

بررسی مسکن در عشایر کُتی در دوره استقرار نشان می‌دهد که شکل عمومی مسکن در این روستاها و ترتیب استقرار آن به صورت مجتمع و متمرکز است. نقش آب در تمرکز مسکن بسیار موثر است، زیرا دسترسی به آب را با توجه به موقع جغرافیایی این روستاها در حاشیه کویر امکان‌پذیر می‌سازد. به علاوه مسئله ناامنی در گذشته نیز باعث تجمع کلیه مسکن شده است (فیروزی و غلامی، ۱۳۵۸: ۶۸).

مصالح ساختمانی به‌کاررفته در ساختمان خانه‌های عشایر کُتی در روستای شوران عبارت هستند از خشت و گل، آجر، گل، چوب و تیرآهن. مسکنی که در قلعه شوران ساخته شده‌اند بیشتر از خشت و گل هستند. خانه‌های مرکزی و قدیمی‌تر شوران نیز همگی از خشت و گل ساخته شده‌اند؛ اما در پی خانه‌سازی‌های جدید تیرآهن یا گاهی چوب دیده می‌شود. پایه خانه‌ها معمولاً از خشت و گل و دیوارها گلی است. قطر دیوار خانه‌ها از ۵۰ تا ۷۰ سانتیمتر متغیر است؛ ولی اکنون دیوار خانه‌ها را نازک‌تر می‌سازند.

خانه‌ها همه بدون اشکوب و معمولاً مجاور یکدیگر ساخته شده‌اند. نمای عمومی بام خانه‌ها گنبدی شکل است که در مجموع به صورت گنبدهای طویل و موازی جلوه می‌کند. بام هر خانه متناسب با تعداد اتاق‌ها از چندین گنبد ساخته شده است که در بین آنها فرورفتگی‌هایی وجود دارد که گنبد هر اتاق را از اتاق دیگر مجزا می‌کند. این فرورفتگی محل ناودان است. سقف خانه‌ها ضربی است و خانه‌های جدید که از تیر چوب یا تیر آهن ساخته شده‌اند، مسطح هستند. تعداد اتاق‌ها در خانه‌های این روستا بین دو تا چهار است. خانه‌های معمولی سه اتاق و خانه‌های قدیمی چهار اتاق دارند. معمولاً بیشترین مساحت به اتاق پذیرایی اختصاص داده شده است. از اتاق‌ها به منظور خواب، پذیرایی و در برخی خانه‌ها برای قالی‌بافی استفاده می‌شود. دیوار اتاق‌ها با کاهگل و گچ اندود شده‌اند و به دلیل سقف ضربی اندازه پنجره‌ها کوچک است. در و پنجره‌ها غالباً چوبی است و در منازل جدید پنجره آهنی کار گذاشته‌اند و در ورودی منزل را نیز آهنی کرده‌اند.

معمولاً دام‌ها در خانه نگهداری می‌شوند و قسمتی از حیاط منزل به اصطبل اختصاص دارد. در برخی خانه‌ها انباری برای نگهداری علوفه و آذوقه و قرار دادن وسایل کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حیاط خانه‌ها نیز از وسعت زیادی برخوردار است و در آن درختان میوه

مانند انار، توت و مو کاشته شده است و در زیر درختان انواع سبزی جهت مصرف خانگی می‌کارند (هاشمی، ۱۳۷۲: ۱۹۸-۱۹۶)

ویژگی‌های فرهنگی

جامعه عشایری ایران که بیشتر در بخش‌های کوهستانی و مراتع طبیعی پراکنده‌اند، نه تنها در شیوه معیشت و اقتصاد با هم اختلاف ساختی و کارکردی دارند، بلکه در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اعتقادی نیز تفاوت‌های کلی بین آنها مشاهده می‌شود.

زبان

تفاوت‌های درون عشایر در زبان و ادبیات مشهود است؛ زیرا ایلات و عشایر ایران اگرچه با زبان فارسی آشنایی دارند اما هر طایفه به یکی از زبان‌های ایرانی (کردی، لری، بلوچی) و زبان‌های ترکی و عربی (با دارای لهجه‌ها و گویش‌های متعددی) صحبت می‌کنند (طیبی، ۱۳۷۱: ۲۳۵). تیره‌های مختلف طایفه کُتی در منطقه ورامین هنوز به زبان عربی تکلم می‌کنند (امینی، ۱۳۶۸: ۴۴) و اصطلاحات محلی خود را فراموش نکرده‌اند (مستوفی، ۱۳۶۲: ۵۰۷) و تاکنون نیز سعی داشته‌اند زبان و فرهنگ خود را حفظ کنند درعین‌حال تاثیراتی از عشایر دیگر نیز پذیرفته‌اند. امروزه مردم این طایفه زبان فارسی را نیز به خوبی صحبت می‌کنند، اما استفاده از زبان عربی بیشتر در گفتگوهای روزمره خانوادگی و و با افراد تیره‌های دیگر انجام می‌گیرد. برای زبان‌شناسی این طایفه این ویژگی‌های قابل تحلیل است:

۱) افراد طایفه سعی در حفظ واژگان عربی دارند به طوری که در داخل خانواده بزرگ‌ترها به زبان عربی تکلم می‌کنند از این رو کودکان نیز با این واژگان آشنایی دارند.
۲) برای اجزای بدن خود و حیوانات اسامی مختلف و مخصوص عربی به کار برده می‌شود و در زبان روزمره از آن استفاده می‌کنند.

۳) در مراسم خاص مثل عروسی‌ها و مراسم عزا، زبان‌زدها و جمله‌های به خصوصی را به زبان عربی بیان می‌کنند (هاشمی، ۱۳۷۲: ۲۱۰-۲۰۹).

امروزه تحت تأثیر فرهنگ شهری و آموزش‌های رسمی نوه‌های خانواده‌ها کمتر با زبان عربی آشنایی دارند و رفته‌رفته با فوت افراد مسن خانواده، یادگیری زبان عربی از طریق گفتگوی خانوادگی نزد کودکان صورت نمی‌گیرد. در نتیجه نسل جدید، بسیار اندک از زبان مادری و بومی (عربی) می‌داند و کمتر تمایلی دارد که بدان صحبت کند. همچنین بسیاری از واژه‌های سنتی در حال فراموش شدن است، چرا که کاربرد خودشان را از دست داده‌اند. حذف واژه‌های سنتی و تضعیف زبان بومی، به عبارت دیگر همان تضعیف فرهنگ سنتی و بومی است.

اصطلاحات خویشاوندی به منظور نشان دادن رابطه نسبی فرد با افراد گروه خویشاوندی به کار می‌رود و اصطلاحاتی را شامل می‌شود که افراد برای مخاطب قرار دادن یکدیگر به کار می‌برند. نمونه‌ای از اصطلاحات خویشاوندی در گفتگوهای این طایفه عبارت‌اند از: کاکا^۱ (پدر)، دَدَ^۲ (مادر)، آخوی^۳ (برادر)، اُختی^۴ (خواهر)، عَمّی^۵ (عمو)، عَمّه^۶ (عمه)، نَنه کَبیر (مادر بزرگ) و بابا کَبیر^۷ (پدر بزرگ) (همان: ۱۷۸-۱۷۷).

مراسم و آیین‌ها

کُتی‌ها پاره‌ای از سنت‌هایشان را در عرصه برپایی مراسم و آیین‌ها به طور خاص حفظ کرده‌اند. موسیقی، لباس و رقص‌های سنتی در عروسی به ویژه در ییلاق و بازتولید بسیاری از روابط خویشاوندی و ایلی سنتی در سوگ و سوگواری‌ها، هنوز تداومی از فرهنگ سنتی ایلی محسوب می‌شوند. اما در کنار این نمونه‌ها، لباس‌های جدید و سبک‌های جدید برگزاری عروسی با استفاده از وسایل زندگی شهری به واسطه نزدیکی به بازارهای ورامین و تهران، سلیقه، پوشش و ازدواج بین افراد ایل را بیش از پیش به سبک زندگی شهری مشابه کرده است.

باورها

باورها و عقاید بخشی از فرهنگ شفاهی هر قوم و ملتی است که سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. در میان فرهنگ عشایر کُتی نیز این باورها سالیان سال به صورت شفاهی انتقال یافته است؛ با وجود این به دلیل مشکلات کوچ و تمایل به یکجانشینی بخشی از باورهای مربوط به زندگی در چادرهای عشایری کم‌کم تضعیف می‌شوند. برخی از باورهای رایج میان طایفه کُتی‌ها به شرح زیر است:

- آل زنی زشت‌رو، بالابند، بسیار بد جنس و حسود و عامل مرگ زنان باردار و زائو است. کنار زن زائو و طفل او تا سه روز اول، افراد خانواده و فامیل جمع هستند و تا شش روز به هیچ عنوان زائو را تنها نمی‌گذارند.
- برای آنکه بفهمند زن حامله دختر می‌زاید یا پسر، ابتدا نیت می‌کنند، سپس سیراب و شیردان گوسفندی را باز می‌کنند، اگر داخل آن گوشت بود زائو دختر و اگر گوشت نبود، پسر می‌زاید یا ماری را می‌کشند؛ اگر به شکم افتاد زائو پسر می‌زاید ولی اگر به پشت افتاد، دختر

¹ kākā

² dada

³ axavi

⁴ oxti

⁵ a'mmy

⁶ a'mma

⁷ nana kabir- bābā kabir

می‌زاید یا روی سر زائو نمک می‌ریزند، اگر دست به دماغش زد (کنایه از سبیل) پسر می‌زاید و اگر دست به سرش زد (کنایه از گیسو) دختر می‌زاید.

- هنگامی که آب جوش را در بیابان می‌ریزند باید بسم‌الله بگویند.
- ماست را (از هنگام مغرب به بعد) اگر می‌خواهند به همسایه بدهند، یک ذغال سیاه (یک چیز سیاه رنگ) کنارش می‌گذارند، چون در غیر این صورت سفیدی (خوشبختی) از منزل بیرون می‌رود.

- اگر یک تکه از خرده نان در سفره صاف بایستند، می‌گویند که میهمان می‌آید.
- هنگام نصب سیاه چادر در منطقه بیلاق، در ورودی آن را رو به قبله باز می‌کنند.
- دام‌ها را قبل از روز سیزدهم فروردین یا بعد از آن حرکت می‌دهند. حرکت دام روز ۱۳ فروردین نحس است.

- روز پنجمشنبه برای مسافرت بسیار خوب است، ولی روز جمعه را نحس می‌دانند.
- به اطفال و نوزادان برای دفع نظر مهرک سبز رنگ (خَرِرِ خَضِر) می‌آویزند.
- جغد را بدشگون می‌دانند.
- هنگام سال تحویل یک نفر را به عنوان پا قدم به خانه می‌آورند. گاهی به جای این کار یک بره یا بچه‌ای را می‌آورند، چرا که میهمان اول سال باید مبارک باشد و قدمش خوب و خوش‌یمن باشد تا خانواده سال خوبی داشته باشند.

- در بیلاق وقتی ستاره شمال ظاهر می‌شود، گله را پشت کوه پنهان می‌کنند تا از نظر ستاره دور باشد. در غیر این صورت رمه چاق و پروار نمی‌شود (همان: ۲۰۵-۲۰۴).

طایفه‌های کُتی مستقر در روستاهای این منطقه قسمتی از نذرهای خود را به شکل انداختن پول در بقعه‌ها و زیارتگاه‌ها ادا می‌کنند. پهن کردن سفره و اطعام دعوت‌شدگان برای دعا و پذیرش نذر از جمله سنت‌هایی است که میان زنان طایفه کُتی رایج است و همچنان برگزار می‌شود مانند:

- سفره مادر ابوالفضل (ع)، خرج این سفره زیاد است. این سفره هنگام عصر انداخته و در آن انواع خوراکی‌ها گذاشته می‌شود. در این سفره که با دعوت یک خانم قرآنی شروع می‌شود، ضمن خواندن قرآن و ذکر مصیبت زنان همگی دعا می‌کنند که نذر صاحب سفره برآورده شود و خوراکی‌های سفره را می‌خورند و بخشی از آن را نیز به عنوان شفا برای خود یا کسان خود می‌برند.

- سفره‌های دیگری نیز به نام‌های حضرت عباس، علی‌اصغر، حضرت زینب و رقیه می‌اندازند که این سفره‌ها همگی اختصاص به زنان دارد و از نظر خرج سبک‌تر از سفره مادر ابوالفضل است.

- آش پنج‌تن، این آش رسم خاصی دارد و نذرکننده باید پنج بسته رشته به مناسبت پنج تن آل عبا آماده کند و با آن آش بپزد تا مرادش و مطلبش داده شود، سپس آش را میان همسایه‌ها و اقوام خود توزیع می‌کند.
- نوعی آش به نام سر راهی که در سر کوچه یا جلو خانه‌ها می‌پزند. این آش را خانواده‌های کُتی در هنگام جنگ هشت ساله ایران و عراق که فرزندان‌شان به جبهه می‌رفتند، بسیار می‌پختند.
- آش دیگری که آن را به صورت جمعی می‌پزند، آش خَیر نام دارد. این آش به طور جمعی توسط اقوام یا همسایه‌ها پخته می‌شود و هر کدام از خانواده‌ها به فراخور حال خود بخشی از تهیه ملزومات و یا انجام برخی مراحل پخت آش را بر عهده می‌گیرند (همان: ۲۰۸-۲۰۷).

اشعار

اشعار رایج در بین کُتی‌ها دارای قواعد شعری نیست و اغلب شاعر شناخته‌شده‌ای ندارند. این اشعار به صورت دوبیتی و چندبیتی سال‌ها سینه به سینه در بین اهالی این طایفه انتقال یافته است. بیشتر مضامین این اشعار برگرفته از گوسفند، مراتع، مناجات، غم و مضامین عاشقانه است. این اشعار از زبان پیرمردان و افراد مسن طایفه گفته شده است و نسل فعلی خاطره و حافظه بیان آن را ندارند.

سرت نازم که سرسر می‌کنی ول	مثال بره تازه رگایه ^۱
مثال بره بع‌بع می‌کنی ول	دمادم یاد مادر می‌کنی ول
قد سروت الهی خم نگرود	دل شادت به دست غم نگرود
دعای من شب و روزم همین است	که سایه‌ات از سرما کم نگرود
شبم آمد که مهتابم نیامد	نشستم تا سحر خوابم نیامد
نشستم تا سحر عریان و بریان	گل سرخ وفا دارم نیامد

أَحَدٌ مَعَجٍ أَحَدٌ مِّنْ لَّارٍ مَّعَجَه	(کسی نیامد کسی از لار (بیلاق) نیامد)
أَحَدٌ مِّنْ جَانِبِ دِلْدَارٍ مَّعَجَه	(کسی از جانب دلدار نیامد)
أَحَدٌ مَّعَجٍ كِهْ أَحْوَالِ أَسِيلَه	(کسی نیامد که حالش را بپرسم)
صَنَمٌ سِيْمَا كُؤْلِ رُخْسَارٍ مَّعَجَه	(آن گل سیمین رخسار نیامد)

(همان: ۲۲۲-۲۲۰)

^۱ بره‌ای که از مادر جدا شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که طایفه مستقل عرب کُتی به عنوان بزرگ‌ترین طایفه مستقل و عشایری عرب در منطقه ورامین و نزدیک به کلان‌شهر تهران به دلیل تأثیرپذیری و ارتباط روزمره با این مراکز شهری، بافت سنتی و عشیره‌ای خود را تقریباً از دست داده است. با توجه به نزدیکی به مراکز شهری و به دلیل سازگاری با محیط، فرایند انطباقی میان افراد این طایفه شکل گرفته و هویت فرهنگی افراد آن به مرور زمان از طریق تغییر در زبان، شیوه معیشت، نحوه کوچ، هنجارها و ارزش‌های فرهنگی دچار تحول و دگرگونی شده است. از این رو به‌رغم بهبود نسبی در دسترسی و استفاده از مزایای شهری، برخی از ارزش‌ها، باورها و نمودهای فرهنگی این طایفه کم‌رنگ شده و تحت تأثیر زندگی یکجانشینی، با فرهنگ‌های روستایی و شهری مجاور جایگزین گردیده است.

مهم‌ترین مشخصه این دگرگونی را می‌توان در کوچ عشایر کُتی (و دیگر عشایر ورامین) مشاهده کرد که به جای حرکت رمه‌ها همراه خانوارها از طریق ایل‌راه‌ها، سرپرستان خانوار رمه‌های خود را از طریق کامیون به نزدیکی مراتع دماوند و لار انتقال می‌دهند و سپس خانواده‌ها نیز به وسیله وانت و سواری این مسیر را تا نزدیک‌ترین مراتع طی می‌کنند. این تغییر رویه در کوچ که مستلزم هزینه‌های حمل است، مرحله یکجانشینی عشایر کُتی در روستاهای ورامین را سرعت می‌بخشد.

مشکلات خاصی هم اکنون در منطقه برای تامین دام و علوفه بر سر راه دامداران وجود دارد و وضعیت اقتصادی و اشتغال در جامعه و وجود شغل‌های خدماتی درآمدزا و عدم حمایت دولت از عشایر سبب شده است تا تداوم کوچ و رمه‌گردانی مقرون به صرفه نباشد و جوانان و دامادهای خانواده‌ها با توجه به نزدیکی به پارچین و امکان اشتغال در آن (به عنوان یک منطقه نظامی در زمان جنگ) یا نزدیکی به تهران و ورامین و پیشوا در این شهر و شهرستان به کار مشغول می‌شوند.

خویشاوندی نیز که یکی از بنیان‌های فرهنگی و زندگی عشایری است با کاهش تعداد اعضای خانوار و تشکیل خانواده‌های هسته‌ای همراه با گسترش نسبی و آهسته ازدواج‌های برون‌گروهی و تغییر نقش‌های زن و مرد و کودکان در خانواده‌ها تفاوت بسیاری به نسبت زندگی سنتی و ایلی یافته است. کودکان که در گذشته جامعه‌پذیری و فرهنگ‌آموزی را در خانواده‌های گسترده و در میان ایل می‌گذراندند؛ امروزه در مدرسه و با محتوای رسمی آموزش می‌یابند.

فردگرایی به دلیل سکونت روستایی و هم‌جواری با فرهنگ شهری میان افراد طایفه در حال گسترش است و امکان خروج آنها را از نظام فرهنگی و خویشاوندی ایلی فراهم می‌کند با همه اینها عناصر فرهنگ سنتی در میان خانواده‌های کُتی حضور دارد و تداوم بخشی از سنت‌ها و آداب و رسوم مربوط به ازدواج، از مراحل قبل از ازدواج تا جشن عروسی، هنوز دیده می‌شود.

زمینه برای فرهنگ‌پذیری ایلات و عشایر منطقه ورامین از جمله طایفه مستقل عرب کُتی با توجه به فرایند یکجانشین شدن به تدریج آماده شده است تغییرات در نسل‌های اول و دوم عمق کمتری دارد؛ در نسل سوم فرهنگ تغییر اساسی می‌یابد. نسل معاصر قادر نخواهد بود که کار دامداری و حرکت کوچروی پدران خود را دنبال کنند و تاریخ و فرهنگ خود را حفظ کنند؛ زیرا موانع و مشکلات موجود فرهنگی، اجتماعی و معیشتی و موارد دیگر همگی بر فرایند اضمحلال این گروه عشایری با سابقه طولانی، در آینده‌ای نه چندان دور دلالت می‌کند. آینده این طایفه جز ادغام در جمعیت شهری نخواهد بود و در سال‌های نه چندان دور اثر سایه‌واری از زندگی عشایری آنها به جا خواهد ماند.

منابع

- احسانی، افسانه و سیروس نصیری (۱۳۹۰). *نگاهی بر صنایع‌دستی عشایر استان تهران*، تهران، نشر آروبیج با همکاری اتحادیه تعاونی‌های عشایری استان تهران.
- اعتمادالسلطنه، محمد حسن (۱۳۶۴). *منتظم ناصری*، تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی.
- افشار نادری، نادر (۱۳۴۷). *جمعیت و شناسنامه ایلات کهگیلویه*، تهران، بخش مطالعات عشایری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.
- افضل‌الملک، غلامحسین (۱۳۶۱). *افضل‌التواریخ*، به کوشش منصور اتحادیه (نظام مافی)، تهران، نشر تاریخ ایران. ایلات و عشایر (۱۳۶۸). تهران، مجموعه کتاب آگاه، انتشارات آگاه.
- ایمان، محمد تقی و محمدپور، احمد (۱۳۸۳). «فرایند و پیامدهای نوسازی و تحولات اجتماعی، مطالعه موردی شهرستان سردشت»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره پنجم.
- اوبن، اوژن (۱۳۴۷). *ایران امروز*، ترجمه علی‌اصغر سعیدی، تهران، زوار.
- ایوانف، میخائیل سرگی‌ویچ (۱۳۴۳). *عشایر جنوب (عشایر فارس)*، مترجمان: کیوان پهلوان و معصومه راد، تهران، انتشارات آرون.
- امان‌اللهی بهاروند، اسکندر (۱۳۶۵). *کوچ‌نشینی در ایران*، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- امینی، محمد (۱۳۶۸). *تاریخ اجتماعی ورامین در دوره قاجار*، تهران، شرکت افست.
- (۱۳۸۴). *عشایر منطقه ورامین*، تهران، انتشارات مدیریت امور عشایری استان تهران.
- برهان، محمد حسین بن خلف (۱۳۴۲). *برهان قاطع*، تصحیح دکتر محمد معین، تهران، ابن‌سینا.
- بهمن بیگی، محمد بهمن (۱۳۳۴). *عرف و عادت در عشایر فارس*، تهران، انتشارات بنگاه آذر.
- بیات، کاوه (۱۳۶۵). *شورش عشایری فارس*، نشر نقره.
- ترکمان، اسکندربیک (۱۳۱۴ قمری). *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، تهران، چاپ سنگی.
- توحیدی، کلیم‌الله (۱۳۵۹). *حرکت تاریخی کرد به خراسان، در دفاع از استقلال ایران*، مشهد، ناشر مؤلف.
- حسینی، فرصت الدوله (۱۳۶۲). *آثارالعجم در تاریخ و جغرافیای مشروح بلاد و اماکن فارس*، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ ایران زمین، فرهنگسرا.
- خور موجی، محمدجعفر الحسینی (۱۲۷۶ ق). *آثار جعفری، تاریخ فارس*، نستعلیق، چاپ سنگی.
- دفترچه املاک حاج میرزا آغاسی (بی‌تا)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و قربانی‌ریگ، رضا (۱۳۸۶). «تغییرات فرهنگی از کوچ به اسکان نمونه موردی عشایر طالش در طول سه نسل». *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۱.
- سایکس، سر پرسی (۱۳۶۳). *سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار مایل در ایران*، ترجمه حسن سعادت نوری، تهران، انتشارات لوحه.
- سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور (۱۳۸۷). جمعیت عشایری دهستان‌ها/ ریاست جمهوری، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی، مرکز آمار ایران
- سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده ایران (۱۳۶۵). (نتایج تفصیلی مرحله اول طرح)، سازمان برنامه و بودجه.
- سیاح، احمد (۱۳۷۸). *المنجد*، تهران، کتاب‌فروشی اسلام.
- شاه‌حسینی، علیرضا و رنجر، عنایت‌الله (۱۳۷۸). *ایل‌ها و عشایر استان سمنان*، انتشارات اتحادیه عشایری استان سمنان.

شاهسون بغدادی، پریچهر (۱۳۷۰). *مطالعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایل شاهسون*، تهران، انتشارات سازمان امور عشایری ایران.

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۴۲). *ایران در دوره سلطنت قاجارها*، تهران، ابن‌سینا.
فسایی شیرازی، حسن‌بن حسن (۱۳۶۷). *فارسنامه ناصری*، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسایی، تهران، انتشارات امیر کبیر.

----- (۱۳۱۲). *فارسنامه ناصری*، تهران، رحلی، نستعلیق.

فیروزی، محمدعلی و غلامی، رفعت (۱۳۵۸). «بررسی روستاهای حاشیه کویر شرق ورامین»، زیر نظر دکتر پرویز کردوانی، دانشگاه تهران، مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران، (پژوهش‌های علمی)، نشریه شماره ۱۳. قاجار، ناصرالدین‌شاه (۱۳۵۴). *سفرنامه خراسان*، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.

کرزن، جرج. ن (۱۳۶۷). *ایران و قضیه ایران*، ترجمه وحید مازندرانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

کریمی، اصغر (۱۳۸۳). «انسان و ماده»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره پنجم، بهار و تابستان.

کیهان، مسعود (۱۳۱۰). *جغرافیای مفصل ایران*، تهران، ابن‌سینا.

صورت املاک خالصه تهران (بی‌تا)، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی.

طبیعی، حشمت‌الله (۱۳۷۱)، *جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

لمبتون، ا.ک.س (۱۳۳۵)، *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

محب‌حسینی، محدثه (۱۳۸۳). «بررسی انسان‌شناختی تحولات مربوط به مرزهای قومی در یکی از مناطق روستایی شمال ایران»، *نامه انسان‌شناسی*، سال سوم، شماره ششم.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزه القلوب*، به سعی و تصحیح گای لسترنج، تهران: دنیای کتاب.

مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱). *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و ادواری دوره قاجاریه*، کتاب‌فروشی زوار.

مطالعه اجمالی استان تهران (۱۳۷۱)، سازمان امور عشایری، دفتر مطالعات طرح و توسعه مناطق عشایری.

مقدسی، علی‌اصغر و غفاری‌نسب، اسفندیار (۱۳۸۳). «مدرنیته، بازاندیشی و تغییر نظام ارزشی در طایفه دهدار»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره پنجم.

میرزایی، سید آیت‌الله (۱۳۸۲). «کاوشی در باره ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی کبوترخانه‌های استوانه‌ای شکل»، *نامه انسان‌شناسی*، دوره اول، شماره چهارم.

نتایج سرشماری عشایر کوچنده کل کشور (۱۳۶۶)، تهران، سازمان برنامه و بودجه.

ناظم الاسلام کرمانی، محمدبن علی (۱۳۶۲). *تاریخ بیداری ایرانیان*، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی، تهران، انتشارات آگاه.

نقیسی، سعید (۱۳۴۵). *تاریخ اجتماعی و سیاسی دوره معاصر*، تهران، انتشارات بنیاد.

نوابی، عبدالحسین (۱۳۴۴). *کریم‌خان زند*، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.

وزیری، سعید (۱۳۵۸). *تاریخ ورامین*، ورامین.

هاشمی فشارکی، سید علیرضا (شهریور ۱۳۷۲)، *بررسی وضعیت فرهنگی - اجتماعی ایلات و عشایر ورامین با تأکید بر طایفه عرب کُتی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران.

هدایت، مخبرالدوله (۲۵۳۵). *گزارش ایران، قاجاریه و مشروطه*، به اهتمام محمدعلی صوتی، چاپ نقره.

هدین، سون (۲۵۳۵)، *کویرهای ایران*، ترجمه پرویز رجبی، تهران، انتشارات توکا.

یوسفی‌زاده، محمدعلی (۱۳۶۴-۶۵)، *جزوه درسی مردم‌شناسی ایلات و عشایر*، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

دایره‌المعارف آنلاین ایرانیکا، مشاهده‌شده در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۱۰ به آدرس:

